

درد و درمان

(ضرورت آسیب‌شناسی حماسه عاشورا)

محمد جواد رودگر*

شناخت و بازشناخت حادثه عاشورا، شناخت و بازشناخت بزرگ‌ترین جریان معرفتی، معنوی و شریعتی در دل یک حادثه به ظاهر زمانی و زمینی ولی به حقیقت فرازمانی، فرازمینی و فرازبانی است؛ چنان‌که بزرگ‌ترین حماسه اسلامی - انسانی در یک بستر تاریخی رخ نمود و سیر تاریخ را دگرگون و متحول ساخت و گستره آن در احیای معرفتی در حوزه معرفت دینی و دین تا اصلاح‌گرایی اجتماعی در عرصه‌های مدیریتی، فرهنگی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... تا آنجا است که بازشناسی، بازکاوی و بازپژوهی آن یک ضرورت عینی، فریضه علمی و تاریخی است تا نهضت عاشورا که برای ناب‌سازی دین و معرفت دینی و بازسازی و نوسازی فرهنگی، معنوی و اجتماعی حادث شد، همواره ناب، زلال و اصیل بماند و مانند همیشه تاریخ، الهام‌بخش نهضت‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی شود.

*. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

به این معنا که اصلاح اندیشه، انگیزه، انگیزه، بینش و گرایش‌ها در عاشوراشناسی و عاشوراپژوهی در ساحت اندیشه‌وران و عالمان، و تحریف و انحراف‌زدایی از چهره دل‌آرا و حماسه‌ساز «قیام کربلا» در ساحت توده‌ها و بدنه جامعه و زنده نگه داشتن علمی و عملی نهضت عاشورا یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ بویژه اگر دست‌های پیدا و پنهان دوستان ناآگاه و غیربصیر و دشمن آگاه و هوشمند و مغرض را در انحراف‌آفرینی و تحریف‌گرایی صدر و ذیل نهضت عاشورا در طول تاریخ بشناسیم که چگونه امویان، عباسیان و ... از گذشته، و نظام‌های سلطه معاصر و جریان‌های لیبرالیستی مدرن، تلاش‌هایی در جهت وارونه و بدون اثر کردن عاشورا، خشن جلوه دادن فرهنگ جهاد، ایثار، شهادت و ... انجام داده‌اند که این امر ما را هرچه بیشتر در بازخوانی، بازنگری و نساب نگه داشتن حادثه عظیم و جاودانه کربلا «مسئولیت‌پذیر» می‌کند و لازم است که احیاگران اندیشه اسلامی و مصلحان دینی و اجتماعی، آفات‌شناسی و آفات‌زدایی، مبارزه عالمانه و هوشمندانه با انحرافات و تحریفات معرفتی، معنوی و حتی فقهاتی، تاریخی حادثه عاشورا را رسالتی مشترک و تعهد تاریخی برای خویش تلقی کنند تا «عاشورا» تحول‌آفرین، عبرت‌آموز، درس‌دهنده، حرارت و حرکت‌زا، جهاد و اجتهاد محور، ایثار و نثاربخش و مسئولیت‌ساز باشد و بماند و این، معلول بینش و گرایش معرفتمندانه و ژرف‌اندیشانه و در عین حال بازشناسانه و حماسه‌آفرینانه اصحاب خرد و ارباب معرفت و معنویت و پرچمداران شریعت است. پس نگاهمان را به کربلا عمیق‌تر و نگرشمان را به عاشورا ژرف‌تر کنیم که هم از جهت ایجابی و تبیینی و هم از جهت سلبی و نقدی سخت بدان محتاجیم... پس عاشورا تمامیت اسلام و اسلام تمام، حقانیت دین و دین حقیقی، عقلانیت دینی و دین عقلانی، معنویت دینی و دین معنوی، جهاد و حماسه دینی و دین جهادی و حماسی، ارزش‌های دینی و دین ارزشی و درحقیقت تجلی اسلام ناب بتول و علوی و ولوی است و پاسداری علمی و عملی از آن یک فریضه دینی که خود محتاج شرایطی است. ازجمله:

الف. دین‌شناسی و دین‌مداری یا دانایی و دینداری همه جانبه

ب. خلوص و صداقت‌ورزی

ج. عقلانیت و معنویت دینی

د. شناخت تاریخی و تاریخ‌شناسی نظامی، علمی و فلسفی در حوزه تاریخ اسلام از آغاز

تاکنون

ه. شناخت ژرف دشمن و شگردهای متنوع آن یا دشمن‌شناسی فراگیر و هوشمندانه.

و. عالم به زمان بودن یا زمان آگاهی دقیق و فراگیر

ز. احیاءگری پیرایشی (سلبی) و آرایش (ایجابی) در ساحت «قیام جاودانه» کربلا و نهضت توحیدی - حماسی عاشورا

ما در این نوشتار برآنیم تا برخی از آفات و آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی یا انحراف و تحریف‌های معرفتی - عینی مربوط به قیام کربلا را که خود مظه‌ری از «احیاء و اصلاح» و بلکه الگو و اسوه همه نهضت‌های احیاءگرا و اصلاح‌طلبانه اسلامی - انقلابی است، مطرح و معرفی کنیم؛ چنان‌که امام حسین (ع) فرمود:

«... انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی...»^۱

که اصلاح فکری و فعلی، اندیشه‌ای و اجتماعی امت اسلام را منظور و ملحوظ کرد و

سپس فرمود:

«لکم بی اسوه»^۲

امامی که بر زنده شدن بدعت‌ها و میرانده شدن سنت‌ها، فریاد جهادی و حماسی کشید^۳ و از عدم عمل به حق و اقامه عدل و فراموشی عنصر امر به معروف و نهی از منکر شدیداً نگران و ناراحت بود^۴... حال بایسته و شایسته است که از فرهنگ عاشورایی، و چهره حماسی و تراژدیک تفکیک‌ناپذیرانه نهضت حسینی پاسداری کرد و عقل و عشق، حرارت و حماسه، احساس و ادراک و اشراق و اجتهاد را توأمان درباره حادثه عظیم و نهضت پایدار و ماندگار امام حسین (ع) نشان داد.

ریشه‌های پیدایش و گسترش آسیب‌ها و آفات

شناخت آفات نظری و عملی و آسیب‌های ذهنی و عینی حادثه کربلا در طول تاریخ امری پسندیده و لازم است؛ ولی شناخت و تحلیل ریشه‌ها و علل آنها یک «ضرورت تاریخی» و «عقلانی» است تا با از بین بردن «علل»، معالیل نیز از بین رفته و تدریجاً با آفات پیدا و پنهان در حال وقوع نیز مبارزه شود. به بیان دیگر، آفاتی با علل خاص به خود، گریبان حادثه ناب و زلال کربلا را گرفت که باید به آنها آگاهی یافته و در مقام «رفع» یا «درمان پس از

بیماری» برآمد. ولی با توجه به علل و ریشه‌های انحراف، تحریف، التقاط‌اندیشی، قرار گرفتن در دام تفسیر ماتریالیستی و حتی لیبرالیستی از قیام حسینی می‌توان از آفات درونی و بیرونی و آسیب‌های تدریجی نیز جلوگیری کرد؛ یعنی در مقام «دفع» یا پیشگیری برآمد. بنابراین شناخت ریشه‌های پیدایی و پایانی انحراف‌های تاریخی - تفسیری، در دو مقام «رفع» و «دفع» باید صورت گیرد؛ به همین دلیل به برخی ریشه‌ها و علل «گذشته و حال» اشاراتی اجمالی خواهیم داشت:

۱. تفسیر یکسویه از حادثه کربلا

یکی از علل پیدایش آفات فکری و رفتاری در خصوص قیام عاشورا و حادثه عظیم کربلا این بود که به صورت جامع‌نگرانه و فراگیر تحلیل نشد؛ برای مثال برخی از متفکران و سخنوران با توجه به مقامات علمی و معنوی پیامبر (ص) و امامان (ع) و از جمله امام حسین (ع) که انسان کامل و برخوردار از وحی تشریحی (پیامبر ص) یا تسدید - تعریفی (امام) بوده و دارای علم غیب به عوالم و اخبار گذشته، حال و آینده است و از ویژگی «عصمت» در جنبه‌های علمی و عملی یا بینشی و گرایشی برخوردار است، سراسر زندگی امام حسین (ع) را با همین دید تحلیل کردند؛ یعنی تنها «مقام نبوتی» امام حسین (ع) را دیده و از آن دریچه قیام آن امام همام را تفسیر کردند و اساساً به تحلیل «مقام اثباتی» امام و تحلیل قیام کربلا پرداختند؛ یعنی اساساً امام از رهگذر قدرت ماورایی، اخبار غیبی و الهام آسمانی همه امور مربوط به نهضت را پیش بردند و حادثه کربلا نیز با چنین رویکردی تحلیل شد. غافل از اینکه هم «مقام نبوت» و هم «مقام اثبات» امام در جریان نهضت عاشورا باید منظور گردد تا نه معجزه و کرامت بودن و نه تأسی‌پذیری و الگوبرداری از چنین تحول شگرف و شگفت تاریخی نفی و انکار شود. هنگامی که امام از چنین مقامات علمی و عملی و شخصیت حقیقی و حقوقی والایی برخوردار است، بایسته است تحلیلی از قیام عاشورا ارائه گردد که نشان دهد امام با دید کاملاً هوشمندانه، متعهدانه و تکلیف‌گروانه چنین نهضتی را خلق کردند و برای دفاع از اسلام ناب محمدی (ص) پس از هدایت‌ها و ارشادات و اشارات لازم و ممکن، پرچم قیام را برافراشته و از همه هستی خویش در راه خدا و اسلام گذشتند. باید توجه داشت که رنگ و

راتحه خدایی داشتن، مقدس بودن قیام، انگیزه‌های توحیدی و مخلصانه و عبودیت محورانه بودن، عقلانیت، الگوپذیری و قیامی جاودانه را ممکن و میسر می‌سازد؛ نه اینکه آن را دسترس‌ناپذیر و غیرقابل اسوه‌گیری نماید و تنها رازآلود، ماورایی و دست‌نیافتنی نشان دهد؛ زیرا امام حسین (ع) قیامی احیاگرانه و نهضتی اصلاح‌گروانه راه انداخت و با درایت و دلسوزی و آگاهی و آزادگی تمام که همراه با تأییدات الاهی بود، حادثه «معجزه‌آمیزی» را در دل تاریخ خلق کرد تا برای همیشه و همگان، تابلوی انسانیت و کمال، تعالی و تکامل و عقلانیت و عدالت و نیز کانون تعلیم و تربیت و مرکز جهاد و معنویت باشد. امام حسین (ع) با قیام خویش توانست خط مبارزه حق و باطل، توحید و شرک و ایمان و کفر را - که در صدر اسلام ترسیم شده بود و پس از ارتحال پیامبر اعظم الاهی (ص) به خط مبارزه حق و حق‌نما، توحید و توحیدنما یا ایمان ناب و ایمان نقابدار تبدیل شد و به تدریج «حق و نفاق» به صورت پیچیده‌ای در برابر هم قرار گرفتند و اسلام ناب نبوی و علوی در برابر اسلام اموی و بوسفیانی نهاده شد و اسلام امامت و ولایت به اسلام خلافت و آن گاه به اسلام سلطنت و وراثت تبدیل شد - تغییر داده و شفاف‌سازی کند و پرده از چهره کفر نقابدار و شرک پوشیده و نفاق پیچیده و اسلام سلطنت و وراثت بردارد و مسلمانان را با سرچشمه‌های اصیل و ناب اسلامی آشنا سازد و بار دیگر خط تضاد «حق و باطل» را در دو صف متضاد حسین (ع) و یزید نشانده و نشان دهد.

بنابراین قیام کربلا پرچم و علامتی شد تا خط ایمان و توحید، حق و عدالت و امامت و ولایت هرگز گم و تحریف نشود. به همین جهت نگاه اثباتی، عقلانی و تحلیلی به حادثه سترگ کربلا این امکان را فراهم می‌سازد که تمامی زوایای زندگی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران و پیروانش قابلیت شناخت و تأثیرپذیری یابد و در هاله‌ای از «قدسیت و تجرد» باقی نماند و «عاشورا» حجاب زمان و زمین و زبان را بردارد و برای همه دینداران و آزادگان قابل وصول و حصول باشد. بنابراین حرکت امام حسین (ع) با توجه به ضرورت‌ها، واقعیت‌ها و مشکلات و اشکالات «جهان اسلام» در عصر خود و پیش‌بینی آینده اسلام و جهان مسلمانان رخ داد؛ چنان‌که حادثه سال ۶۱ هـ. ق. با حوادث و وقایع قبل از آن یعنی از سقیفه (۱۱ هـ. ق.) تا جنگ‌های صفین، جمل، نهروان و شهادت امام حسن (ع) و دوران امام حسین (ع) (۶۱ هـ. ق.) پیوند داشته و ریشه‌های تاریخی نهضت کربلا را در چنین حوادثی باید

جست‌وجو کرد و البته با تحلیل آینده جامعه اسلامی و سرنوشت امت ختمیه یا نگاه عمیق و ژرف پس از سال ۶۱ (ه. ق) نیز ارتباط مستقیم داشت. حال درباره چنین حادثه‌ای نباید تنها از طریق «مقام نبوت» امام (ع) به تحلیل نشست و نباید تنها از طریق «مقام اثبات» آن را ملاحظه کرد؛ بلکه با رویکردی «اثباتی» و معطوف به «نبوت» که تفکیک‌ناپذیر است، قیام کربلا را تفسیر کرد تا افراط و تفریط در دو مقام نبوت و اثبات صورت نگیرد و نگاه یکسویه پدید نیاید...

۲. نگاه نقلی صرف به قیام کربلا

یکی از ریشه‌های انحراف و تحریف درباره پدیده مقدس و ماندنی کربلا، نگاه «تاریخی نقلی» داشتن به آن است؛ یعنی صرفاً نقل گزارشی از حادثه بدون توجه به فلسفه قیام، انگیزه‌ها و اندیشه‌های نهضت حسینی و پیامدها و آثار آن قیام اصیل و پایدار. با چنین رهیافت نقل‌گروانه محضی است که با تقلیات و روایات تاریخی گوناگونی این چنین «متهافت و متناقض» از جریان عاشورا مواجهیم و اساساً تحلیل عقلانی و فلسفه تاریخی درباره آن دیده نمی‌شود و این خود عاملی می‌شود تا به عمق حادثه راه نیافته، نقل‌ها و فهم‌های متفاوت و متهافت از قیام حسینی بازشناسی و نقد نگردد و تا فلسفه قیام، علل و ریشه‌های پیدایش حادثه عاشورا، چرایی و چگونگی وقوع نهضت امام حسین (ع) به خوبی و فرانگرانه تحلیل نشود، نمی‌توان تصویری روشن و تفسیری جامع از آن ارائه داد؛ چنان که برخی آن را «حماسی» دیده و برخی «تراژدی» بر برخی بر حوادث آن می‌گیرند و تنها «احساسی و عاطفی» به آن می‌پردازند و برخی آن را از چشم یک حماسه اثرگذار و عقلانی می‌بینند؛ غافل از اینکه حادثه کربلا هم «حماسی» است و هم «تراژدی» و اساساً گریه بر امام حسین (ع)، روضه، تزییه و ... نیز باید حماسی و آگاهانه و مسئولیت‌اندیشانه، و شرکت در تضاد و جنگ حق و باطل و توحید و شرک و عدل و ظلم باشد. پس اگر با «تحلیلی فلسفی» یا نگاه فیلسوفانه به آن حادثه پرداختیم و ریشه‌ها و علل وقوع قیام کربلا را توأم با اهداف و انگیزه‌ها و شناخت درس‌ها و عبرت‌هایش شناختیم و یا سنت‌های حاکم بر تاریخ و جامعه را از طریق قیام حسینی (ع) به تفسیر کشانندیم، نهضت امام حسین (ع) برای همیشه زنده و درس‌آموز و

عبرت‌انگیز خواهد بود و راه تحریف و انحراف، کژاندیشی و عوام‌گرایی نسبت به چنان واقعه عظیم و مکتب‌ساز و حماسه‌آفرینی بسته خواهد شد.

بنابراین «نگاه نقلی» به تاریخ «کربلا و قیام عاشورا» نگاهی محدود و ناقص و زمینه‌ساز آفات ظاهری و باطنی خواهد شد؛ مگر اینکه نگاه توسعه یابد و از نقلی به علمی و فلسفی نیز کشیده شود تا تأثیر و تأثر حوادث قبل و بعد و سنت‌های مشروط و مطلق‌الاهی در دل تاریخ مورد توجه و تأمل قرار گیرد...

۳. نگاه عاطفی نه عقلی

از جمله ریشه‌های آفت‌پذیری حادثه کربلا در بستر تاریخ و ذهنیت مسلمان بویژه شیعه این بود که به دلایل تاریخی خاص به خود از جمله مهاجرت و مقلوبیت سیاسی - اجتماعی در قرون متمادی، عاملی شد تا شیعه رویکردی «عاطفی» به قیام حسینی داشته باشد و نتواند پیوست منطقی با نگره و انگاره‌های «عقلانی» ایجاد کند؛ در نتیجه از کانون جوشان نهضت حسینی کمترین بهره معرفتی - معنوی برده شد و بیش از آنکه با انگیزه و اهداف و فلسفه قیام امام حسین (ع) آشنا شود، رابطه احساسی - عاطفی برقرار کرد و تحلیل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، از موضع فلسفه سیاسی و ... یا نمی‌شد و یا در حداقل و انزوا قرار داشت و بیشتر «تبعیدی» برخورد می‌کردند نه تعقلی و این خود دستمایه تحریف‌های عالمانه عامدانه و یا جاهلانه و غیرعمدی می‌شد.

عقلانیت اقتضا می‌کند و تجربه تاریخی نشان داده است که رابطه انسان مسلمان شیعی با «قیام عاشورا» باید رابطه‌ای فراگیر و جامع اعم از رابطه احساسی - عاطفی، رابطه ادراکی - عقلانی و رابطه اشراقی - عاشقانه و عرفانی برقرار کند تا اولاً هر کس طبق ظرفیت و استعداد درونی خویش از این کانون نور و انرژی و سرچشمه معرفت و فضیلت بهره‌برداری کند و ثانیاً رابطه جامع، سدی در برابر انحراف‌های احتمالی و یا بازسازی اندیشه و بینش و نوسازی انگیزش و گرایش نسبت به «واقعه عاشورا» باشد تا هدف‌های امام حسین (ع) در انگیزش‌های عاطفی گم نشود و رابطه‌های درونی - وجودی یا روحی و معنوی با اندیشه‌های خردمحورانه به محاق نرود و عرفان و اشراق از سطح و ساحت این نهضت توحیدی - الاهی

زدوده نشود، امام حسین (ع) و اهداف و آرزوهایی مجهول، مظلوم و مهجور نگردد، ارزش‌های آفریده شده از دل عاشورا «نسخ» نگردد و خط حماسی و جهادی که با احیای عنصر امر به معروف و نهی از منکر صورت گرفت «نسخ» نشود، نماز و نیایش، راز و رستگاری، فلاح و فنا، صلاح و سلاح، عقلانیت و عدالت، معرفت و معنویت و ... همه با هم و در هم دیده شوند تا هم از قیام حسینی «تفسیر مسیحی» ارائه نشود که او فدا شد تا کفار گناهان شیعه شود و هم شفاعت و شجاعت درست معنا گردند تا «سوه» بودن و «الگو» شدن امام حسین (ع) برای همه اعصار تفسیرپذیر باشد و کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا و کل شهر محرم، زمان و زمین و زمانه را در هم نوردد و تاریخ را تابع خویش سازد، نه خود تابعی از تاریخ باشد و فلسفه تاریخ و سیاست در طول فلسفه دین با قیام امام حسین (ع) معنا و مبنا یابد؛ همچنین نهضت حسینی «سرنوشت انسان» را در دل تاریخ رقم یزند و «تقدیر» با «تدبیر» و «تشریح» با «تکوین» پیوند یابد تا هم «یزید» به عنوان یک شخص «مثلی لا یبایع مثله»^۶ و هم «مثل یزید» مثل یک «شخصیت»، از قد بلیت الامه براع مثل یزید^۷ برای همیشه و همگان تقد و ابطال گردند و خط «حسینی» و «یزیدی» به دو چهره محدود نشود؛ بلکه «نماد» و «نمود» همه انسان‌ها قرار گیرد که یا حسینی‌اند و یا یزیدی و ... و این حقایق در صورت حضور و ظهور عقل و عاطفه، عشق و خرد ممکن است و لاغیر. به تعبیر استاد حکیمی، «یک عاشورا، اگر آن طور که می‌باید و اتمه طاهرین نظر داشته‌اند برگزار گردد، بس است تا سرنوشت ملت‌هایی را عوض کند.»^۷ اگر عاشورا، عاشورای فرهنگی - علمی، اجتماعی - سیاسی، اخلاقی - معنوی و عاشورا در بستر معرفت و شریعت بود، حماسه عاشورا حماسی باقی خواهد ماند و حلقه واسط بین بعثت و غدیر و سپس عصر ظهور و عنصر امامت و مهدویت خواهد شد. همه هرچه هستند، به امام حسین (ع) و قیام کربلا مدیون و مرهون هستند: حکیمان، فقیهان، عارفان، متکلمان، مفسران، از یکسو و مدیران، مخترعان، مکتشفان و ... از سوی دیگر که همه بر سر سفره حسین (ع) نشسته‌اند و شایسته است سفره سماوی را پاس بدارند تا برای همه زمان‌ها و زمین‌ها و زمینه‌ها، «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه»^۸ باشند.

۴. حضور افراد غیر کاردان و ناآشنا

یکی از عوامل زمینه‌ساز تحریف‌های لفظی و معنوی قیام کربلا، حضور و ظهور افراد غیر «متخصص» در عرصه فرهنگی - علمی و بیان و بلاغ قیام کربلا است. اگر عوام جای عالم بشینند - از آنجا که تحریف تدریجی است نه دفعی و جهشی - وجود عناصر ناآشنا به تاریخ، مکتب اسلام، تشیع و ناآگاه به مؤلفه و اصول جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی و ریشه‌های پیدایش قیام اباعبدالله (ع)، آرام آرام زیادت و نقصان از حیث کمی و تحلیل و تفسیر به رأی‌های خطرناک از حیث کیفی در زمینه نهضت عاشورا ایجاد می‌کنند و اگر جهالت و سطحی‌نگری با جمادت و کج‌سلیقگی توأم شود، کار را دشوارتر می‌کنند؛ زیرا تعصب جاهلانه، تعبد بدون تعقل، احساس منهای ادراک و دخالت سلاقی و اذواق در نوشتن، گفتن، سرودن و سخنرانی، مدیحه و مرثیه و ... عامل مؤثر انحراف و تحریف خواهد شد و اگر در گذر زمان بدون نقد و بررسی عالمانه و عالمان رشد یابد، مبارزه با آنها بسیار دشوار و بلکه «بدعت»، انزوا و ارتجاع تلقی می‌شود؛ درحالی‌که همواره عالمان دینی و بصیران و هوشمندان باید در جهت پالایش و آرایش قیام حسینی در آیین تاریخی بکوشند و بازخوانی و بازتحلیل کنند تا ناب بودن و خلوص از یک طرف و توانمندی و حماسه‌سازی از طرف دیگر هرگز از سیمای نهضت حسینی زدوده نگردد. حضور عالمان مسئولیت‌اندیش راه را برای کتب عوامانه، خطابه‌های سطحی، مداحی‌های آکنده از ضعف و دروغ و یا غلو نادرست و ویرانگر می‌بندد تا فضیلت گریه بر امام حسین (ع) با فضاحت کرامت‌زدایی و عزت ستیزی از حریم شخصیت والای امام (ع) آمیزش نیابد و «مدح» به «قدح» تبدیل نگردد.

بنابراین باید چون محدث نامی، حاج میرزا حسین نوری اذعان کرد که دو پله «اخلاص» و «صدق» مبنای سخنرانی و روضه‌خوانی قرار گیرد و با بصیرت، هوشیاری و بیداری نیز گره بخورد که ناب بودن و اثرگذاری حادثه کربلا را همیشه زنده نگه دارد تا از یک طرف نقل حادثه عاشورا تحریم نشود^۹ که از اخلاق و معنویت دفاع و از لعن و غیبت کردن اجتناب شود و از طرف دیگر به بهانه نقل مصائب و رنج‌های کربلا، دروغ‌گفتن تجویز و بلکه عین ثواب و صواب تلقی نگردد که چنین اندیشه‌ای بسیار خطرناک است و زمینه‌ساز تحریف و بدعت‌های

فراوان خواهد شد و «غلو» نیز در نقل حوادث عاشورا از بین برود تا تحریف و دروغ و بدعت و غلو در محتوا، شکل و نسبت به برخی افراد صورت نپذیرد.

پس «عالمان دینی» که پاسداران حریم حوزه معرفت دینی و معنویت اسلامی هستند، رسالتی بس بزرگ در این جهت دارند که پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«إِذَا ظَهَرَ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَامَ عِلْمَهُ وَفَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»^{۱۱}

امام حسین (ع) هدف قیام و فلسفه نهضتش را مبارزه با فسادهای فکری - اخلاقی و انحراف‌های علمی و عملی در کانون فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی و اصلاح در حوزه فردی و اجتماعی قرار داد و با زیاده‌طلبی، ظلم، شیوع منکر، توزیع فقر در جامعه، ثروت‌اندوزی عده‌ای خاص، بدعت‌گرایی، سنت‌ستیزی و ... مبارزه کرد.^{۱۱} بنابراین عالمان بیدار و بینای اسلام، مسئولیت تحریف‌زدایی از چهره قیام حسینی و رسالت آفات‌شناسی و آفات‌زدایی از حریم نهضت زلال، الهی، توحیدی و عدالت‌محورانه امام حسین (ع) را بر دوش دارند و با حضور عالمانه و دردمندانه در متن جامعه راه را برای ورود افراد «ناآشنا» مسدود می‌کنند و ...

۵. دشمن مغرض، دوست نادان

یکی از عوامل تحریف که «عامل عمومی» در تحریف تاریخ و شخصیت‌های تاریخی است،^{۱۲} وجود دشمن مغرض است تا با تفسیرهای ناروا و تحریف و قلب وقایع و گزاره‌های حادثه کربلا به مقصود خویش برسند؛ یعنی با «تهاجم فرهنگی»، تهاجم تبلیغاتی و ایجاد جنگ‌های روانی و تغییر تدریجی ذهنیت‌ها به اهداف خویش برسند و نهضت حسینی را خنثی و بلائثر سازند و اگر سیاست تحریف فرهنگی و ترور مفاهیم، شاخص‌ها، آموزه‌ها، گزاره‌ها، پیام‌ها و نمادهای نهضت از سوی دشمن آگاه و مغرض با دروغ و بدعت‌های دوست نادان و مقدس‌جاهل همراه گردد، فاجعه‌ای فرهنگی رخ خواهد داد و به بهانه اجر و ثواب بیشتر بردن، قهرمان‌پرستی، افسانه‌سازی و اسطوره‌پردازی می‌کنند و به مبالغه‌ها و اغراق‌هایی دست می‌یازند که روح و دلمایه‌های نهضت امام حسین (ع) را از بین برده یا به محاق می‌کشند و به بهانه «هدف مقدس» از «وسیله نامقدس» استفاده می‌کنند که در این بین از «روضه الشهداء»ی ملاحسین کاشفی و اسرارالشهاده ملا آقای دربندی می‌توان نام برد که بر پایه آن، سروده‌ها و

نمایشنامه‌ها ساخته شد و دفاتر تعزیه نیز بدون تحریف‌ستیزی و بدعت‌زدایی ظاهر شد. تا اینکه «لؤلؤ و مرجان» میرزا حسین نوری به نقد، جرح و افشای چنین کتابهایی ظهور یافت و ...

آری دشمن یک بار حسین (ع) را شهید کرد و بار دیگر اهداف و فلسفه عالی، زنده، حماسی و حیات‌بخش و عزت آفرینش را هدف قرار داد تا فکر و رفتار و اندیشه و انگیزه حسینی را از میان بردارد و اگر دوستان اهل معرفت و بصیرت، درک و درد و دانایی و دینداری شگردهای دشمن را نشانند، قطعا در دامی قرار خواهند گرفت که دشمن گسترانده است. و امروز کودتای سفید و تروریسم فرهنگی با توجه به اینکه نقش اندیشه حسینی و واقعه عاشورا و فرهنگ جهاد و شهادت را درست درک کرده است، در قالب‌های مختلف فرهنگی - هنری و با رسانه‌های ارتباطی می‌کوشد تا فرهنگ خمود و جمود، ارتجاع و انحراف، تجبر و تحریف و التقاط و ایستایی را به نام‌های گوناگون در ذهن و ضمیر نسل جوان جامعه القا و خاصیت و روح دینداری آگاهانه و انقلابی را از فرهنگ عاشورایی سلب کند و به «تحریف معنوی» قیام کربلا بپردازد؛ به گونه‌ای که فرهنگ اباحه‌گری و ولنگاری را با مرثیه و مداحی، تعزیه و عزاداری جمع کند و تفسیری صلیبی از «کربلا» ارائه دهد و خون حسین (ع) را کفاره گناهان امت شیعه و کار و نهضت حسینی را امری شخصی و انحصاری و محدود به زمان و مکان خاص تلقی کند.^{۱۳}

بنابراین لازم است فلسفه قیام، آثار و لوازم نهضت و خطبه‌ها و نامه‌های امام حسین (ع)، بازخوانی و به صورت جامع تفسیر شود تا تصویری روشن و کارآمد و پویا و پایا از قیام امام حسین (ع) در کربلا ارائه و از ادبیات روزآمد و قالب‌های نوین استفاده و به پرسش‌ها و شبهات نسل جوان جامعه پیرامون نهضت یاد شده پاسخ‌های عالمانه و عقلانی داده شود. البته در برابر تحریف و انحراف‌ها، هم «خواص» مسئولند و هم «عوام»، که خواص رسالت ویژه‌ای در این زمینه دارند و باید مراقبت‌های معرفتی - فرهنگی و مواظبت‌های «عمومی» و «رفتاری» از نهضت حسینی و نمادهای عاشورایی و مراکز و کانون‌های فرهنگی - مذهبی و عناصر و ارکان آنها داشته باشند و با یک مدیریت پویا و کارآمد، به معضلات و آسیب‌های پیش آمده و در پیش روی پرداخته و زمینه‌های انحراف را از بین ببرند و ...

حال بایسته است که راهکارهای علمی و عملی مناسب ارائه شود که برخی از آنها چنین خواهد بود:

الف. راهکارهای عملی

۱. اصلاح کانون‌های مساجد و هیات‌های امنا و تربیت مبلغ در خصوص محرم و عاشورا.
 ۲. برنامه‌ریزی برای روضه، مداحی و مرثیه‌خوانی مجالس و محافل مذهبی و مساجد و حسینیه‌ها به صورت عالمانه و واقع‌نگرانه.
 ۳. حضور عالمان در هیات‌های امنا و عزاداری‌های مردمی.
 ۴. تدوین و نشر کتب مناقب، مقاتل و نوحه‌خوانی.
 ۵. وزارت ارشاد نسبت به کتاب‌هایی که درباره محرم، مرثی و تعزیه‌ها و یا قالب‌های هنری صادر می‌کند، بسیار عالمانه و دقیق عمل کند.
 ۶. مراجع تقلید، راهنمایی‌های معرفتی - فقهاتی را بر اساس «زمان» و حتی پیش‌بینی برخی آداب و آلات مراسم و محافل داشته و نظرات خویش را بنویسند و نشر دهند؛ البته هماهنگی، هم‌زمانی و همدلی در این خصوص امری معقول و ضروری است.
 ۷. مدیریت متمرکز فرهنگی در سازمان تبلیغات یا ... و بقیه نهادها و مراکز از این مرکز در خصوص محرم.
 ۸. خواص به رسالت‌شناسی خویش در امر تحقیق، تدوین کتب، تبلیغ، خطابه و نقد و ارزیابی مقاتل و منشورات اهتمام ویژه داشته باشند و آن را یک «جهاد فرهنگی» برای خویش تلقی کنند.
- پس از شناخت برخی ریشه‌ها و علل، آفات و آسیب‌های نظری و عملی عبارتند از:
۱. یکسونگری حادثه کربلا
 ۲. نگاه تقلی و گزارش محض از حادثه کربلا
 ۳. نگاه عاطفی نه عقلانی به جریان کربلا
 ۴. حضور افراد غیرمتخصص و ناآشنا به تاریخ اسلام و فرهنگ و معارف اصیل اسلامی
 ۵. دشمن آگاه و مغرض و دوست نادان و ... و در نتیجه بروز و ظهور آفاتی چون:

الف. تحریف لفظی و معنوی قیام کربلا

ب. خرافه‌گویی و گزافه‌گویی

ج. هدف‌سوزی از اصل قیام و هدف‌سازی برای گریه‌منهای معرفت و حماسه

د. بدعت‌آفرینی در روضه، عزاداری، آداب و ابزارهای عزاداری و سوگواری چون:

قمه‌زنی، علم‌های عجیب و غریب و ...

ب. راهکارهای علمی

۱. پرچمداری عالمان دینی و اصحاب دانایی و درک عمیق در جریان قیام عاشورا.

۲. نقد کارکرد علمی - فرهنگی و تبلیغی مراکز و عناصر دخیل در چنین اموری.

۳. ایجاد و راه‌اندازی مراکز یا مؤسسات پژوهشی درخصوص محرم به دلیل اهمیت،

ضرورت و تأثیرگذاری آن و ...

۴. مدیریت جامع و فراگیر که وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت باشد.

۵. انجام فعالیت‌های فرهنگی - علمی ایجابی و معرفی چهره ناب محرم که خود نقد و

سلب اندیشه‌های انحرافی و تحریفی نیز خواهد بود.

۶. پرداختن به فقه و شریعت عزاداری به صورت دقیق، هماهنگ و همگرایانه و همدلانه.

۷. نوشتن کتاب‌های عمیق و روشمند و با زبان زمان یا روزآمد.

۸. استفاده از زبان «هنر» با مشورت و مدیریت عالمان اصیل اسلامی.

۹. انتشار مجلات علمی و تحلیلی در خصوص قیام امام حسین (ع) در طول سال

به صورت موضوعی.

۱۰. شفاف‌سازی و اصلاح کتاب‌های تاریخی، مقاتل، مراثی و ... به صورت منطقی،

برنامه‌ریزی شده و ...

ضرورت آسیب‌شناسی و آسیب‌درمانی

با عنایت به مطالب پیشگفته روشن است که در طول تاریخ به دلایل فرهنگی، علمی،

سیاسی، اجتماعی و حتی انگیزه‌های فرقه‌ای و جریانی، نهضت امام حسین (ع) دستخوش

تحریف‌های مختلف واقع شد و وجود زمینه‌های عاطفی، دینی که با معرفت و عقلانیت توأم نشده بود و عامل سطحی‌نگری، قشری‌گری و ... شد، برخوردهای غیرعلمی و نادرست و حتی التقاطی را در کنار تفسیرهای انحرافی و عوام‌زدگانه بیشتر کرد که حتی برخی در صدد عادی‌سازی و عرفی‌نشان دادن حادثه کربلا برآمدند و برخی پا را فراتر گذاشته و آن را جنگ قبیله‌ای، فرقه‌ای، تصفیه حساب‌های قومی و گروهی تفسیر کردند و بن مایه «جنگ افروزی»؟! در حادثه کربلا را «خشونت» دانستند که چون پیغمبر در جنگ بدر با بنی‌امیه خشونت کرد، در کربلا نیز بنی‌امیه آتش جنگ را علیه پسر پیغمبر برافروختند؟!^{۱۴}

حال آیا پرچم هدایت و عزت را بلند کردن و در راه حقیقت و اقامه عدالت مبارزه کردن و با مظهر فساد اخلاقی و اجتماعی درافتادن، «خشونت» است؟ آیا پیامبری که در مسیر اشاعه توحید، کرامت انسان، عدالت اجتماعی، آزادی و آزادگی انسان‌ها و ارزش‌های الهی - اسلامی، با مظاهر شرک و بت‌پرستی، تحقیر و تحمیق آدمیان، برده‌داری و استبداد و سلطه‌جویی مبارزه کرد، «خشونت» است؟ آیا ارائه چنین قرائتی از حادثه عاشورا به آسیب‌شناسی علمی، روحی، روانی، فرهنگی و اجتماعی نیاز ندارد؟ چرا نباید به عنصر «اصلاح‌طلبی» در نهضت امام حسین (ع)، احیای اندیشه ناب اسلامی و سنت نبوی و علوی و از بین بردن بدعت‌ها توجه جدی شود؟ چرا عنصر امر به معروف و نهی از منکر که به تعبیر شهید مطهری «عنصر تهاجمی» نهضت امام حسین (ع) بود^{۱۵}، نباید تشویریه و تبلیغ شود؟ درحقیقت «فلسفه قیام عاشورا» به صورت تحلیلی، تطبیقی و فلسفی مطرح نشود؟^{۱۶} ... یا در بعد برپایی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری چرا نباید یک مدیریت علمی - فرهنگی جامع و مؤثر، هدایت و کنترل و سامان‌دهی را به دست گیرد؟ چرا در مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و بویژه منازل، چه در ایام محرم و صفر و چه در غیر آن، و یا حتی مجالس ترحیم ازدنیبا رفتگان هیچ کنترلی از بعد فرهنگی و نظارتی از حیث علمی نمی‌شود؟ چرا مداحان، سره و ناسره نمی‌شوند؟ و برخی مداحی را ابزار کسب و تجارت کرده و حتی بدون زمینه‌های علمی - دینی و صرف نقل‌قول از این و آن و یا نوار دیگران، پشت تریبون‌های رسمی قرار می‌گیرند و برای گریاندن و گرم کردن مجالس به هر چیز متمسک می‌شوند که نه «خواص» و نه «عوام» هیچ اعتراضی نمی‌کنند. آیا این حرکت‌های بی‌سر و سامان و آناارشیسم فرهنگی - تبلیغی در آینده‌ای نه چندان دور، عامل بزرگ آسیب‌های دینی - اجتماعی نخواهد شد؟ آیا صدور مجوز

و پخش نوارهایی که با الگویی از آهنگ‌های لس آنجلسی و ... همراه است و خوانندگان آن با محتوایی بسیار سبک و تحقیرآمیز و حتی عشق‌های مجازی و تعابیر سخیف درخصوص اصحاب و یاران امام حسین (ع) عزاداری می‌کنند، عامل ترور معنوی جریان الهی - انسانی عاشورا نخواهد شد؟

پس بکوشیم درخصوص عملکرد سال‌های اخیر - حداقل دهه هفتاد تا هشتاد و پنج سال اخیر - یک تحقیق علمی - میدانی انجام دهیم و آسیب‌شناسی رسانه‌ای اعم از کتب و منشورات یا محصولات فرهنگی - هنری و خطابه‌ها و منبرها و مداحی‌ها داشته باشیم و به نقد کارکرد مبلغان، واعظان، مداحان، مراکز هنری - تبلیغی و ... بپردازیم و از شجاعت علمی - دینی برخوردار باشیم و در جهت ناب نگه داشتن و اصلاح و بازسازی نهضت ابا عبدالله الحسین (ع) اهتمام جدی و اصول‌گرایانه داشته باشیم و هشدارهای بزرگانی چون: استاد شهید مطهری، آیت‌الله جوادی آملی، مقام معظم رهبری، مراجع عظام تقلید و عناصر دلسوز و دردمند علمی - فرهنگی را جدی بگیریم و تا بیش از این دیر نشده که «وفی التأخیر آفات» به رسالت اسلامی - انقلابی خویش عمل کنیم و در جهت زنده نگه داشتن نام و مکتب امام حسین (ع) و عاشورا به معنای حقیقی کلمه بکوشیم و از افراط و تفریط و تجبر و تحریف در کنار انحراف و التقاط پیرهیزیم که زنده نگه داشتن محرم و صفر تنها به برپایی مراسم عزاء و روضه نیست؛ بلکه نوسازی و بازسازی محتوایی و قالبی چنین محافل و مراسم‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا «محتوا» و «فرم» منطقی و همشأن با قیام کربلا توانست لوازم و پیامدها و برکات فراوان علمی و عملی بر جا گذارد و لا غیر. بنابراین آسیب‌شناسی دینی، آفات شناسی معرفتی - فرهنگی و اصلاح فرهنگ عمومی در خصوص فرهنگ عاشورا یک امر ضروری و بسیار مهم خواهد بود ... نیازهای علمی و عملی ما در خصوص محرم و عاشورا از جهات مختلف و در ابعاد گوناگون عبارتند از:

۱. ریشه‌شناسی و علت‌یابی انحراف‌ها و تحریف‌های علمی - معنوی قیام کربلا در طول تاریخ.
۲. شناخت و اعمال راهکارهای علمی و عملی در جهت بازخوانی، بازکاوی و بازآفرینی فرهنگ عاشورا.

۳. نقد کارکرد مسئولان، مراکز، نهاد و سازمان‌های فرهنگی - مذهبی و حتی علمی - فقهی درخصوص نحوه چگونگی پردازش به حادثه عظیم و قیام جاودان کربلا و درس‌آموزی و

- عبرت‌گیری از گذشته خویش با هدف اصلاح و تعمیق و توسعه فعالیت‌های علمی - فرهنگی و دینی پیرامون واقعه عاشورا.
۴. بازتولید آثار علمی - فرهنگی و دینی و ارائه آن با زبان نسل جوان و فرهنگ گفتاری و نوشتاری نوآمد.
۵. تربیت عناصر تبلیغی - مذهبی از عناصر خطابه و منبر تا مداحی و هنری با مدیریت کارآمد، جامع و بالنده.

پی‌نوشت‌ها

۱. «بحارالانوار» ج ۴۴ ص ۳۲۴، «الارشاد»، ج ۲ ص ۳۲.
۲. همان، ص ۳۸۲.
۳. همان، ص ۳۴۴.
۴. («موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)» ص ۳۵۴).
۵. «بحار» ج ۴۴، ص ۳۲۵.
۶. «اللهوف» ص ۹۹.
۷. حکیمی، محمدرضا؛ «سرود جهشها»، ص ۷۲، ج ۹، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش، تهران.
۸. بحار، ج ۳۶، ص ۲۰۴ و ...
۹. اشاره به فتوای غزالی در حرمت قتل حادثه کربلا تا اینکه لعن به یزید و عمر سعد نشده و مسلمانان دچار غیبت‌گویی نشوند؟!.
۱۰. «اصول کافی»، ج ۱، ص ۷۰.
۱۱. «موسوعه کلمات الحسین (ع)» صص ۲۸۳ - ۳۸۱؛ «بحارالانوار»، ج ۶۳، ص ۴۹۵ و ...
۱۲. مطهری، مرتضی؛ «م. آ.» ج ۱۷، ص ۸۴، ج دوم، سال ۱۳۷۸ ش، انتشارات صدرا، تهران.
۱۳. همان، صص ۱۰۸ - ۱۱۰.
۱۴. رک: اکبر گنجی؛ «خوب به خون شستن آمد محال»، صبح امروز، ۲۳ / ۲ / ۱۳۷۸، عصر ۶.
۱۵. «م. آ.» ج ۱۷، صص ۲۱۴ - ۲۱۶.

۱۶. رک: سید جعفر شهیدی: «پس از پنجاه سال: پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین (ع)»، ج دوازدهم، تهران، ۱۳۶۰؛ عبدالله، جوادی آملی: «حماسه و عرفان»، مرکز نشر اسراء، قم: محمدتقی، مصباح یزدی: «قبسی از آذرخش»، جامعه مدرسین، ۱۳۸۲، قم.

منابع

- حکیمی، محمدرضا، سرود جهشها، چ نهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش، تهران.
- سید بن طاووس سید رضی الدین علی بن موسی، لهوف، ترجمه عقیقی بخشایشی، دفتر نشر نوید الاسلام، چاپ ششم، ۱۳۷۹ ش، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، طبعه الثانیه، ۱۴۰۳ ق.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۷، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش، تهران.
- موسوعه کلمات الامام حسین (ع)، پژوهشکده باقرالعلوم، گروه حدیث، نشر مشرقین، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش، قم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی